

مروری بر مسئولیت دولت‌ها در آموزش مفاهیم حقوق بشر

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۷/۱۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۸/۳۰

کد مقاله: ۵۰۱۵۱

زهرا سندالی^۱، علی اکبر داودی پور^۲

چکیده

پژوهش حاضر با هدف مروری بر مسئولیت دولت‌ها در آموزش مفاهیم حقوق بشر انجام گرفت. پروژه حاضر در زمره تحقیقات تحلیلی و توصیفی قرار می‌گیرد و نگارش کاربردی دارد. به منظور بازیابی مطالعات انجام شده که در فاصله زمانی ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۳ به زبان فارسی و انگلیسی منتشر شده‌بود، بانک‌های اطلاعاتی ScienceDirect، John، Springer، Wiley، ProQuest، PubMed، SAGE، سیویلیکا، SID، ایرانداک، جست و جو گردید. کلید واژه‌های استفاده شده شامل "حکومت، دولت و حقوق بشر، مفاهیم حقوق بشر، آموزش حقوق بشر، حاکمیت و حقوق بشر" بود. به طور کلی از بین چندین مقاله جست و جو شده حدود ۳۸ مقاله معیارهای ورود به پژوهش حاضر را داشتند و مورد بررسی قرار گرفتند. نتایج بررسی حاکی از آن بود که باید در نظر داشت تا زمانی که حقوق بشر به عنوان یک فرهنگ در جوامع پذیرفته نشود ما شاهد نقض حقوق بشر هستیم. بنابراین اولین مسئولیت دولت فرهنگ سازی حقوق بشر است.

واژگان کلیدی: دولت، حقوق بشر، آموزش حقوق بشر

۱- دانشجوی رشته حقوق بین‌المللی عمومی، پردیس بین‌المللی خلیج فارس دانشگاه تهران، تهران
۲- دانشجوی رشته حقوق بین‌المللی عمومی، پردیس بین‌المللی خلیج فارس دانشگاه تهران، تهران

۱- مقدمه

حقوق بشر یا «حقوق الانسان» در زبان عربی و Human Rights در زبان انگلیسی و Droits de l'Homme در زبان فرانسوی نامیده می‌شود و از پیشینه‌ای به قدمت تاریخ بشری برخوردار است. لازمه حقوق بشر، دارا بودن سه کیفیت مرتبط است: این حقوق باید طبیعی (ذاتی انسان‌ها)، برابر (یکسان برای همه)، و جهان شمول (قابل اجرا در هر جا) باشند. همه افراد بشر در هر جایی از جهان باید به دلیل انسان بودن خود، به طور برابر از این حقوق بهره‌مند باشند. این حقوق اعطا کردنی نیست، بلکه گرفتاری است (نخعی و همکاران، ۱۳۹۹).

حقوق بشر از موضوعات مهم، تاثیرگذار و همچنین چالش برانگیز در عرصه بین‌المللی است. این واقعیت که همه کشورها موظف به تلاش در راستای حمایت از جهانی شدن هستند، به وضوح نشان می‌دهد که آنها نباید با نقض حقوق بشر در سایر کشورها، در جهت مخالف گام بردارند. این موضوع، مفهوم اساسی جهانی بودن را با این ادعا که دولت‌ها هیچگونه تعهدات مربوط به حقوق بشر نسبت به اشخاص خارج از صلاحیت خود ندارند را تضعیف می‌کنند. از این رو اقدامات اجباری که به نظر می‌رسد نقض تعهدات عادی حقوق بشر مانند حق زندگی است، ممکن است نقض قوانین بین‌المللی معمول باشد، چه در داخل کشور و چه در خارج از کشور (Lubell, 2010).

شناسایی حقوق بشر، تقویت نهادها و سازوکارهای بین‌المللی (نظارتی و تضمینی) و ایجاد نهادهای مردم‌سالار، همگی هنگامی به صورت واقعی مؤثرند که فرهنگ متناسب با آنها نیز ایجاد گردد و توسعه یابد. این عوامل در ایجاد فرهنگ جهانی حقوق بشر تاثیر بسزایی دارد. در این میان آموزش حقوق بشر جایگاه تعیین‌کننده‌ای داشته و نقش اساسی ایفا می‌نماید و از همین جهت در میان فعالیت‌های متنوع سازمان ملل متحد، مساله آموزش حقوق بشر به عنوان ابزاری جهت ترویج و حمایت از حقوق بشر مورد توجه خاص قرار گرفته است. جهان برای آموزش حقوق بشر ارزش قائل هست به طوری که دهه ۱۹۹۵ تا ۲۰۰۴ را به عنوان دهه آموزش حقوق بشر معرفی کرده‌اند. با این وجود اندک پژوهش‌هایی به بررسی مسئولیت دولت‌ها در مقابل آموزش مفاهیم حقوق بشر پرداخته‌اند؛ بنابراین به منظور پرداختن به برخی از شکاف‌های موجود در ادبیات پژوهش بر خود لازم دانستیم که اسن مسئولیت‌ها را بررسی کنیم.

۲- بیان نظری و پیشینه پژوهش

۲-۱- تاریخچه حقوق

حقوق پدیده‌ای نسبتاً مدرن است. قوانین و کدهای قانونی برای کنترل و تجویز رفتار تدوین شده است. اکثریت این نظام‌های اخلاقی اعتقادات اصلی خود را در مورد رفتار انسانی دارند - البته باورهایی که اغلب برخی از گروه‌های مردم را به قیمت از دست دادن دیگران حذف می‌کنند. به عنوان مثال، پادشاه سومری حمورابی لوحی را ایجاد کرد که یکی از اولین نمونه‌های تدوین قوانینی است که حاوی ارجاعاتی به حقوق فردی است. سیستم ۲۸۲ قانون، سابقه‌ای را برای یک نظام حقوقی ایجاد کرد که یک سند الزام آور قانونی را برای محافظت از مردم در برابر آزار و اذیت و مجازات خودسرانه تشکیل داد. اگرچه این قوانین مختص یک زمان و فرهنگ هستند، اما نمونه اولیه تلاش برای اصلاح تعامل و رفتار انسانی هستند. در سنت یونان باستان، بحث در مورد حقوق طبیعی به بحث در مورد حقوق بشر منجر شد. حقوقدان رومی اولپیان (متوفی ۱۰۰۰ میلادی) معتقد بود که برخی از حقوق طبیعی متعلق به هر فرد است، خواه شهروند رومی باشد یا نباشد، اما این حقوق عمدتاً به مسائل حقوقی مربوط می‌شود. از قانونگذاران بزرگ، رومی، ژوستینیانوس مجموعه قوانین بزرگ خود را در اوایل قرن ششم منتشر کرد و به این ترتیب تلاش کرد تا طرح‌های منسجمی از حقوق و وظایف را برای شهروندان رومی ایجاد کند. مذاهب اصلی توحیدی جهان اغلب به دنبال ایجاد یک قانون اخلاقی جامع بوده‌اند که بخش‌هایی از آن مبتنی بر یک قانون «وحيانی» الهی بوده است. شاید این امر مبتنی بر ضرورت ایجاد نظم در شرایط جدید از هرج و مرج بوده است به عنوان "قانون الهی نازل شده". برای اهداف تاریخ حقوق بشر، آنچه در مورد این ساختارهای اعتقادی جالب توجه است این است که این ساختارهای اعتقادی حاوی اعتقاداتی در مورد کرامت انسان هستند و در مورد وظایف و تعهداتی که افراد در قبال یکدیگر، طبیعت و نسبت به یکدیگر دارند، نگرانی مشترک دارند. در رابطه با حقوق بشر میزان تأثیرگذاری ادیان الهی بسیار اساسی است (Nathan, 2009).

۲-۲- حقوق بین‌الملل حقوق بشر

مطابق با ماده ۳۸ اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری، منابع اولیه حقوق بین‌الملل حقوق بشر را می‌توان معاهدات، عرف و اصول کلی حقوقی برگرفته از نظام‌های حقوقی ملی دانست. مفاد معاهده در حقوق بشر اغلب از نظر متنی کاملاً باز هستند و از این رو باید در پرتو شیوه‌های تفسیر نهادینه شده، مانند رویه قضایی دادگاه‌های منطقه‌ای حقوق بشر و نهادهای معاهده حقوق

بشر بین المللی، خوانده شوند. با وجود پذیرش جهانی معاهدات حقوق بشر و به رسمیت شناختن حقوق بشر به عنوان هنجارهای حقوق بین الملل عرفی، نقض حقوق بشر در تمام نقاط جهان رخ می دهد و اغلب سیستماتیک است. کاستی‌های عمده مکانیسم‌های نظارتی بین المللی برای معاهدات حقوق بشر کمبود منابع، عدم دیده شدن و ناکارآمدی آنهاست. حتی اگر معاهدات حقوق بشر به طور جهانی پذیرفته شده باشد، کنترل انطباق همچنان توسعه نیافته است (Johnson, 2018).

۲-۳- مواد اعلامیه جهانی حقوق بشر

اعلامیه شامل سی ماده بود که به شرح زیر است:

ماده اول آزادی و برابری همه انسان ها

ماده دوم آزادی همه انسان ها بدون قید و شرط نژادی، جنسیتی، مذهبی و ...

ماده سوم امنیت همه انسان ها حق آن هاست

ماده چهارم بردگی ممنوع

ماده پنجم ظلم و شکنجه ممنوع

ماده ششم در برابر قانون همه انسان با شخصیت حقوقی هستند

ماده هفتم قانون برای همه یکسان است

ماده هشتم دفاع از حقوق همه توسط قانون حکومتی

ماده نهم هیچ انسانی را نمیتوان بدون دلیل حبس کرد

ماده دهم دادگاه برای دعوی طرفین مساوی است

ماده یازدهم همه افراد توسط قانون مجازات می شوند

ماده دوازدهم هیچکس حق ندارد به غیر از قانون در امورات و دعوی زندگی خصوصی کسی دخالت کند

ماده سیزدهم هرکس میتواند محل اقامتش را ازادانه در هر کشوری انتخاب کند

ماده چهاردهم پناهندگی در برابر شکنجه به هر کشوری

ماده پانزدهم حق آزادانه تابعیت

ماده شانزدهم حق آزادانه تشکیل زندگی

ماده هفدهم حق آزادانه مالکیت

ماده هیجدهم آزادی فکر و مذهب

ماده نوزدهم آزادی عقیده و بیان

ماده بیستم آزادی مجامع

ماده بیست و یکم آزادی در اداره امور عمومی کشور خود

ماده بیست و دوم حق امنیت اجتماعی

ماده بیست و سوم حق کار

ماده بیست و چهارم حق استراحت و فراغت و تفریح

ماده بیست و پنجم حق سطح زندگی

ماده بیست و ششم حق آموزش و پرورش

ماده بیست و هفتم حق زندگی فرهنگی اجتماعی

ماده بیست و هشتم حق طلب برقراری نظم

ماده بیست و نهم حق رشد آزاد و کامل شخصیت

ماده سی ام هیچیک از مقررات اعلامیه حاضر نباید طوری تفسیر شود که متضمن حقی برای دولتی یا جمعیتی یا فردی باشد

که بموجب آن بتواند هر یک از حقوق و آزادیهای مندرج در این اعلامیه را از بین ببرند و یا در آن راه فعالیتی

این اعلامیه برحقوق افراد در جامعه تأکید دارد و اعلام می‌دارد که نباید ازین مواد به‌گونه‌ای استفاده شود که با اهداف ملل

متحد در تضاد باشد (Glendon, Clarke & McKenna, 2016).

۲-۴- مسئولیت

مسئولیت (Responsibility) انجام تعهد را تضمین می‌کند، از این رو با آن همراه است (میرموسوی، ۱۴۰۰). دکتین مسئولیت حمایت در حقوق بین‌الملل طی چندین سال اخیر بسیار مورد توجه قرار گرفته است. این مفهوم به مقابله با نقض حقوق بنیادین انسانها در قلمرو یک کشور و توسط دولت حاکم می‌پردازد. گراه مسئولیت اولیه حفظ حقوق شهروندان برعهده دولت متبوع آنهاست، اما در موارد که به ملت اختلافات نهاد، قومی و مذهبی، دولت حاکم از انجام وظیفه ابتدایی خود اظهار ناتوانی و یا بی-میلی کند، این مسئولیت به جامعه بین‌المللی منتقل خواهد شد (عرب اسدی: ۱۳۹۰، ۴۴).

۲-۵- نظریه مسئولیت حمایت

طرح نظریه مسئولیت حمایت در سال ۲۰۰۱، پاسخی به ضعف نظام بین‌المللی در واکنش مناسب به ارتکاب نقض‌های عمده حقوق بشر در سرزمین‌هایی چون رواندا، بوسنی و کوزوو بود. این نظریه در تلاش برای بازتعریف مفهوم حاکمیت ملی و کارکرد دولت‌ها در قالب «حاکمیت به مثابه مسئولیت» و طرح یک چارچوب مفهومی جدید برای واکنش به موقع و قاطع به اعمال خشونت‌بار، به سرعت توانست در مباحث بین‌المللی جایگاه خاصی یابد. اما به تدریج و همزمان با وقوع بحران‌های جدید انسانی بویژه آنچه که در لیبی و سوریه رخ داد، آشکار شد که این نظریه علاوه بر ابهامات و پیچیدگی‌های مفهومی، در مرحله اجرا نیز با چالش‌های فراوانی روبه‌رو است که ابهام در اجماع کشورها نسبت به تبدیل این نظریه به یک قاعده بین‌المللی، اختلاف نسبت به دامنه مصادیق تحت شمول و توجیه مداخله در کشورهای تحت پوشش مسئولیت حمایت مهمترین آنها محسوب می‌شوند (میرعباسی و همکاران، ۱۳۹۶).

۲-۶- مسئولیت بین‌المللی

یک دولت ممکن است در اثر نقض یک تعهد مسئول شناخته شود و واضح است که تعهدات دولت‌ها به موجب حقوق بین‌الملل بشر تنها به سرزمین محدود نیستند و فرا سرزمینی اند. مسئولیت بین‌المللی اعم از کیفری یا غیرکیفری، فردی یا دولتی بر اثر نقض قوانین حقوق بشری شکل مختص به خود را دارد. مقصود از حقوق بشر مجموعه‌ای از ارزش‌ها، مفاهیم، اسناد و سازوکارهایی می‌باشد که برای حمایت از مقام و کرامت انسانی تبیین شده حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه جداگانه توسعه و رشد پیدا کرده‌اند اما تا حدودی شبیه هستند. حقوق بشر حقوقی است که در همه زمان‌ها مردم از آن برخوردارند اما حقوق بشر دوستانه حقوقی است که انسان‌ها در زمان جنگ و درگیری‌های مسلحانه می‌توانند از آن بهره‌مند شوند. موضوع حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه در اسناد زیادی مورد توجه قرار گرفته از جمله: عهدنامه منع شکنجه ۱۹۸۴، تحریم سلاح‌های هسته‌ای ۱۹۹۶، عهدنامه حقوق کودک ۱۹۸۹ و... از طرفی نیز تفاوت‌هایی دارند و آن اینکه معاهدات حقوق بشری هم جهانی‌اند و هم منطقه‌ای لیکن معاهدات بشر دوستانه فقط جهانی‌اند. حال آنکه هر حق بشری یک الزام و تکلیف حقوقی را نیز در پی دارد و بدین جهت از حیث حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه بودن تفاوتی میان آنها نیست. سرپیچی و عمل نکردن از این تکلیف نیز حقوق بشر را در خطر نابودی قرار خواهد داد. مسئولیت بین‌المللی دو جنبه دارد: «مسئولیت کیفری» و «دیگری» «مسئولیت غیرکیفری» مسئولیت بین‌المللی غیرکیفری یکی از سازوکارهای اساسی و مهم در روابط بین‌المللی شناخته شده است و در واقع اصل بر آن است؛ یعنی هر زمان سخن از مسئولیت بین‌المللی شد اصل بر مسئولیت بین‌المللی غیرکیفری است مگر اینکه مسئولیت کیفری به طور صریح بیان شده باشد. قابل ذکر است که منطبق این مسئولیت بر این باور است که قدرت بدون مسئولیت وجود ندارد. تابعان فعال حقوق بین‌الملل «دولت‌ها و مقامات» آنها هستند که مسئولیت غیرکیفری متوجه آنان است به طور کلی مسئولیت کیفری، نظامی کهن و قدیمی است که در گذر زمان دستخوش تغییر و تحول شده و امروزه به صورت حقوق بین‌الملل در آمده اما مسئولیت کیفری نظامی جدیدتر است و برخلاف نظام غیر کیفری، مسئولیت را به اشخاص حقیقی یعنی «فرد» نسبت می‌دهد. بدین شکل که هر عمل متخلفانه و خلاف قانون که یک کشور انجام دهد موجب مسئولیت بین‌المللی آن می‌شود (طبق مواد ۱ و ۲ طرح مسئولیت بین‌المللی کشورها ۲۰۰۱) در مقابل، نظام کیفری اینگونه نیست و عملی موجب مسئولیت است که متضمن فعل محرمانه در اشخاص انسانی باشد. این دو سیستم علاوه بر تفاوت، تشابهاتی نیز دارند که می‌توان به متخلفانه بودن عمل از نظر حقوق بین‌الملل و دوم قابل انتساب بودن رفتار به عامل اشاره کرد. لازم به ذکر است که در ماده ۲۵ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی بند ۴ آمده است: هیچ کدام از مقررات مربوط به مسئولیت کیفری افراد که در این اساسنامه آمده تأثیری بر مسئولیت کشورها مطابق حقوق بین‌الملل نخواهد داشت. مسئولیت کیفری افراد به طور مستقیم جنبه غیرکیفری (مدنی) ندارد؛ چنانچه ممکن است جنایات جنگی را فرماندهان نظامی مرتکب شده باشند اما جبران ضرر به عهده کشور متبوع آنهاست. نقض حقوق بشر زمانی رخ می‌دهد که تعهدات بین‌المللی بشردوستانه رعایت نشود و یا کشورها و افراد ضعیف‌تر تحت سواستفاده و سطله قدرت‌های بزرگ‌تر قرار گرفته باشند. طی بررسی پیمان‌های بین‌المللی که برای حفظ هرچه بیشتر حقوق بشر به رسمیت شناخته شده‌اند، میتوان قربانیان

اصلی نقض حقوق بشری را دول ضعیف تر و دارای اختیارات کمتر شناسایی کرد. و در مواردی، گروهی از افراد و اشخاص که به علت جو حاکم بر کشور یا منطقه، حقوق اولیه شان رعایت نشده (مرادی میرشکاری، ۱۴۰۲).

۲-۷- حقوق بشر و نظام مسئولیتی دولت

پیشگیری از نقض حقوق بشر توسط بازیگران دولتی و غیر دولتی و تعقیب قانونی اشخاصی که ناقض قواعد بشری هستند، بر مبنای قواعد حقوقی وظیفه دولت است. در صورتی که دولت به تعهد خود در این زمینه عمل نکند، بحث مسئولیت او مطرح می شود. چنین مسئولیتی ناشی از فعالیت‌های غیر مجاز نهادهای دولتی یا اشخاص با اختیار مشخص یا اغماض دولت است. در رویه حقوق بشر سنتی دولت‌ها صرفاً برای نقض تعهداتی که به طور مستقیم یا از طریق نهادها انجام می‌دهند، مسئول شناخته شده‌اند. از این رو اعمال غیر قانونی افراد خصوصی خارج از حوزه مسئولیت دولت شناخته شده بود. اما اخیراً حوزه مسئولیت دولت گسترش یافته است. با توجه به واقعیت‌های مذکور هر چند مشخص است که دولت‌ها تعهدات حقوق بشری دارند؛ اما به طور مشخص وضوح کمی درباره ماهیت تعهدات حقوق بشری دولت‌ها وجود دارد (رئوف رحیمی، ۱۳۹۷). مسئولیت دولت از اصول بنیادین حقوق بین الملل است که به منظور حمایت از حقوق ملت‌ها در برابر دولت‌ها وضع شده است (Brown lie, 1983:9). مسئولیت زمانی رخ می‌دهد که یک دولت تعهد خود در برابر دولت یا ملت دیگر یا ملت خود را نقض کند. (Brown lie, 1998). دیوان دائمی دادگستری بین‌المللی نه تنها آن را به عنوان یک اصل حقوق بین‌الملل تعریف کرده بلکه آن را به عنوان یک مفهوم حقوقی شامل مسئولیت برای جبران خسارات ناشی از نقض تعهد به حساب می‌آورد. مسئولیت به مفهوم مدرن آن عبارت است از وضعیتی که از یک عمل خلاف قواعد بین‌الملل ناشی می‌شود که به وسیله تابع حقوق بین‌الملل ارتکاب یافته یا به آن قابل انتساب باشد. طبق قواعد و مقررات حقوق بین‌الملل برای تحقق مسئولیت بین‌المللی دولت شروط سه‌گانه ذیل لازم است: نقض یک تعهد بین‌المللی، ورود خسارات وجود رابطه سببیت بین نقض تعهد و خسارت وارده و یا به عبارتی قابلیت انتساب آن به دولت شرط اخیر از اهمیت بالایی برخوردار است. بدین معنی که اگر مدعی نتواند اثبات کند که خسارت وارده ناشی از فعل یا ترک فعل زیانبار یک رکن دولتی بوده است دولت از نظر حقوق بین‌الملل مسئول نخواهد بود. طبق ماده چهار طرح ۲۰۰۱ کمیسیون حقوق بین‌الملل دولت‌ها به سبب اعمال نامشروع متناسب به هر یک از ارگان‌های تقنینی اجرایی و قضائی خود مسئولیت بین‌المللی خواهند داشت (ابراهیم گل ۱۳۹۶: ۳).

حقوق بشر ساختارهای نوینی ترتیب دیده است که در طول آن میتوان شاهد تغییرات ساختاری در نظام حقوق بین‌الملل بود این تغییرات کل نظام حقوق بین‌الملل را دستخوش تحولات اساسی کرده است؛ یکی از حوزه‌هایی که تأثیرات بسیاری از نفوذ حقوق بشر داشته است نظام مسئولیت بین‌المللی دولت هاست نفوذ حقوق بشر در کنار دیگر تحولات دنیای مدرن موجبات آن را فراهم آورده است تا سه تحول اساسی در نظام مسئولیت بین‌المللی به وجود آید این تحولات در سه حوزه **عناصر مقوم عمل متخلفانه بین‌المللی رابطه میان دولت متخلف و زیان دیده و اقدام‌های متقابل** بروز یافته است. از آنجا که در حقوق مسئولیت بین‌المللی کلاسیک خسارت مادی از عناصر متشکله عمل متخلفانه محسوب می‌شد. در جایی که خسارت مادی وجود نداشت یا به دولت استناد کننده صدمه ای وارد نمی‌آمد، مسئولیت بین‌المللی دولت موضوعیت نداشت در عصر مدرن و با ورود حقوق بشر به عرصه حقوق بین‌الملل در کنار دیگر عوامل اندک اندک مفهوم خسارت مادی از عناصر مقوم عمل متخلفانه کنار گذاشته شد و جای خود را به خسارت حقوقی داد به این معنا که نقض تعهد به خودی خود مسئولیت برای دولت متخلف در پی خواهد داشت. این مسئله موجب شد تا مفهوم **دولت زیان دیده** تغییر کند و دیگر حوزه‌های مسئولیت بین‌المللی را نیز متأثر سازد.

حوزه دیگر مسئولیت بین‌المللی دولت **استناد به عمل متخلفانه** بود. از آنجا که برخلاف دوران کلاسیک خسارت مادی وجه شاخصه مسئولیت تلقی نمی‌شود و هر نقض تعهدی «موجبات مسئولیت را فراهم می‌آورد بنابراین هر دولتی که این نقض تعهد بر وی تأثیری داشته باشد، می‌تواند به مسئولیت دولت ذی ربط استناد کند. به این ترتیب در معاهدات "ارگا امنس" که به ارزشهای بنیادین حقوق بشر پرداخته است. هر دولت طرف این معاهدات میتواند به مسئولیت ناقض این حقوق استناد ورزد و همچنین در مورد قواعد امره هر دولتی چه به معاهدات مربوطه پیوسته باشد یا خیر حق دارد به مسئولیت دولت متخلف استناد کند. از آنجا که هدف از مسئولیت بین‌المللی دولت توقف عمل متخلفانه و جبران خسارت است. بنابر این استناد به مسئولیت به تنهایی نمیتواند این امر را اقناع کند.

استناد به مسئولیت هنگامی اهداف نظام مسئولیت بین‌المللی دولت را برآورده می‌سازد که با اقدام‌هایی همراه باشد تا دولت متخلف را مجبور سازد عمل متخلفانه را متوقف سازد و خسارت زیان دیدگان را جبران کند. از آنجا که توقف نقض تعهدات بنیادین حقوق بشر «که در قواعد امره» و تعهدات ارگا امنس نمود می‌یابد اقدامی سریع و قاطع میطلبد، بنابراین هر دولتی موظف است در صورت مشاهده نقض چنین قواعد و تعهداتی چه به صورت انفرادی و چه دسته جمعی اقدام‌هایی را صورت دهد. با این

حال این اقدامها خود محدودیت‌هایی را باید در نظر بگیرند؛ از آنجا که اقدام‌های متقابل به منظور صیانت از حقوق بنیادین بشر است بنابراین این اقدامها نمیتوانند به ساحت چنین حقوقی تعرض کنند به این معنا که قواعد امره حقوق بشر دوستانه حقوق بشر و منع تهدید و توسل به زور در اقدام‌های متقابل ممنوع شده است. از سوی دیگر اقدام‌های متقابل فقط باید دولت ناقض را هدف قرار دهد و این هدف‌گیری به هیچ وجه نباید دامن‌گیر اشخاص حقیقی و تابعان این دولت شود (موسی زاده و همکاران، ۱۴۰۲).

۲-۸- آموزش حقوق بشر

آموزش حقوق بشر یعنی جمعی از آموزش‌های درباره ارزش‌ها و تقویت احترام به حقوق و حمایت بشر جهت برهمندی از آزادی و مقابله با نقض این حقوق. از نظر سازمان ملل آموزش حقوق بشر آنچنان که سازمان ملل خاطر نشان نموده این گونه تعریف می‌شود؛ آموزش، تربیت و اطلاع‌رسانی با هدف ساختن فرهنگی جهانی از حقوق بشر از طریق مشارکت گذاردن دانش، بیان مهارت‌ها و قالب‌بندی عقاید جهت احترام به آزادی، رشد بشر، افزایش کرامت، افزایش آگاهی، برابری، صلح (ارجمند، ۱۳۷۸). در دهه آموزش حقوق بشر یکی از فعالیت‌های پیشنهادی که مسلمانان کم‌اهمیت‌ترین آن‌ها نیست آموزش حقوق بشر است. از زمان تصویب اعلامیه جهانی، مجمع عمومی دولت‌های عضو و همه بخش‌های جامعه را به نشر این سند بنیادین و آموزش به مردم در مورد محتوای آن فراخوانده است (دفتر کمیسیون عالی حقوق بشر سازمان ملل، ۱۳۸۶ ص ۱۷). ماده ۲۶ اعلامیه نقش آموزش و پرورش را چنین توصیف میکند:

هدف آموزش باید شکوفایی کامل شخصیت بشری و تقویت احترام به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی باشد. آموزش و پرورش باید حسن تفاهم و گذشت و دوستی بین همه ملت‌ها و همه گروه‌ها از هر نژاد یا هر دین همچنین گسترش فعالیت‌های ملل متحد را برای حفظ صلح تسهیل کند.»

در نتیجه آموزش که منظورش فهماندن معنای حقوق بشر به دانش‌آموزان است نه تنها به عنوان هدف بلکه همچون وسیله ای ارزشمند باید شناخته شود که کارش شکوفاندن سجایای شخصیت انسانی و ایجاد شرایطی است که در دنیای مرکب از کشورهای کاملاً به هم پیوسته امکان همزیستی مسالمت‌آمیز را به ملت‌ها می‌دهد (کید، ۱۳۵۱). در اواخر دهه آموزش حقوق بشر (۲۰۰۴) - (۱۹۹۵) دولت ایران با همکاری کمیسیون عالی حقوق بشر فاز مقدماتی آموزش حقوق بشر را شروع کرد. این پروژه دارای ۵ گام اساسی است مطالعه وضعیت حقوق بشر در مدارس ایران ترجمه منابع مناسب و مرتبط با آموزش حقوق بشر برگزاری کارگاه‌های آموزشی سفر مطالعاتی به کشورهای دارای تجربه در زمینه آموزش حقوق بشر برگزاری نشست‌های مشورتی به منظور عملیاتی کردن آموزش حقوق بشر در مدارس (مرادی، ۱۳۸۸).

۲-۹- ابعاد آموزش حقوق بشر

۲-۹-۱- بعد ملی

بعد ملی آموزش حقوق بشر به این امر تاکید دارد که در قوانین ملی و مذهبی هر کشور به آموزش حقوق بشر تاکید کرده اند و همچنین حقوق بشر از شرایط تاریخی و سیاسی زمان است (امیرارجمندی، ۱۳۸۸).

۲-۹-۲- بعد بین‌المللی

بند ۲ ماده ۲۶ اعلامیه جهانی حقوق بشر، ماده ۷ اعلامیه حقوق کودک مصوب ۱۹۵۹ مجمع سازمان ملل متحد، ماده ۱۰ همین اعلامیه، ماده ۵ کنوانسیون مبارزه با تبعیض در امر تعلیمات که در یازدهمین اجلاس کنفرانس عمومی یونسکو در ۱۹۶۰ در پاریس، بند ۲ ماده ۲۶ اعلامیه جهانی حقوق بشر، ماده ۲۹ کنوانسیون ۱۹۸۲ سازمان ملل متحد (امیرارجمندی، ۱۳۸۸).

۳- مفهوم حقوق بشر از نگاه دولت‌های خاورمیانه

بسیاری از حاکمان کشورهای خاورمیانه معتقدند که تحولات حقوق بشر در خاورمیانه هیچگاه از ذات ناحیه بر نیامده و به همین دلیل منطق بومی به خود نگرفته و بدین دلیل نهادینه ساختن حقوق بشر در خاورمیانه نشأت گرفته از عوامل بیرونی بوده و بیشتر از همه تحت تاثیر سازمان ملل متحد و کشورهای طرفدار آن قرار گرفته است. آنها همچنین حقوق بشر را مختص به غربی‌ها دانسته و آنرا یک سویه می‌پندارند. وقوع انقلاب اسلامی در ایران نشان داد که دین اسلام بر اثر گذشت زمان و توسعه مدرنیزاسیون نه تنها به پایان نرسیده بلکه با احیای دین می‌توان آن را مجدداً به عنوان ناجی بشریت بکار گرفت (ساجدی، ۱۳۹۴: ۸۲). با این پشتوانه حاکمان خاورمیانه در مخالفت با برخی از قوانین حقوق بشر جهانی مصمم تر شدند که دین اسلام به کرامت انسانی اهمیت زیادی داده و انسان را آزاد و مسئول می‌داند. آنها با اشاره بر آیه شریفه «و لقد کرمنا بنی آدم ... و فضلنا هم علی کثیر مَن خلقنا تفصیلاً» اظهار می‌دارند که انسان دارای کرامت و ارزش والایی است و بر این اساس ناپستی رفتارهایی مانند تحقیر، توهین، هتک حرمت و... به صورت گیرد. اندیشه حقوق انسان‌ها و آزادی مشروع بشر که ریشه در آموزه‌های قرآنی دارد

جزء حقوق فطری و طبیعی انسان‌ها بر شمرده شده است. حکومت‌های کشورهای خاورمیانه اظهار می‌دارند از آنجائیکه در قرآن به صراحت آمده خداوند انسان را برترین مخلوقات و خلیفه خود بر روی زمین می‌داند و بدین سبب به انسان کرامت ذاتی داده و او را از کلیه مواهب طبیعی و امکانات مختلف زندگی برخوردار نموده، پس اساس تفکر اسلامی در منشاء قانون گذاری و مشروعیت مقررات حقوقی را فقط در خداوند دانسته و نه در انسان. بر این اساس حاکمان کشورهای اسلامی استدلال می‌کنند که الزام است تا از قوانین الهی پیروی نموده و حقوق مشروع شهروندان را پاس بدارند و با عدل و عدالت می‌باید جوامع خود را رهبری و هدایت نمایند. در مقابل اعلامیه حقوق بشر سازمان ملل متحد که بر اساس آموزه‌های لیبرالی و دموکراسی تنظیم شده، کنفرانس اسلامی سال ۱۹۹۰ در قاهره ضمن تاکید بر نقش تمدنی و تاریخی امت اسلامی (این امت یک تمدن جهانی دارد و هدایت بشری را عهده دار بوده و این دنیا را به آخرت پیوند می‌زند) اعلامیه اسلامی حقوق بشری که حمایت از حقوق و آزادی‌های مشروع انسان‌ها در کشورهای اسلامی را در بر دارد به تصویب رساند. متن این اعلامیه اظهار می‌دارد که کشورهای اسلامی ایمان دارند که تضمین حقوق اساسی و آزادی‌های عمومی مشروع مردم در اسلام جزئی از احکام دین اسلام بوده و هیچکس حق متوقف کردن این آزادی‌ها و یا چشم پوشی نمودن از احکام الهی را ندارد. عبارتی حقوق اساسی و آزادی‌های عمومی در اسلام جزئی از دین مسلمین می‌باشد و خداوند احکام الهی را که از طریق کتابهای خود بتوسط خاتم پیامبرانش نازل نموده، دارای قوانین الهی بوده و کسی حق زیر پا نهادن این قوانین و تکالیف الهی را ندارد (اقائی، ۱۳۷۶: ۳۸-۲۲۹).

۳- بحث و نتیجه گیری

پژوهش حاضر با هدف انجام گرفت. نتایج پژوهش حاضر نشان داد که آموزش حقوق بشر علاوه بر سطح ملی، در سطح بین الملل نیز باید انجام شود. پژوهش‌های مختلفی حول محور آموزش حقوق بشر انجام گرفته است از جمله صلح چی (۱۳۹۳) در پژوهشی به بررسی مسئولیت دولت در قبال نقض حقوق بین الملل بشر توسط شرکت‌های فراملی پرداخت. میر موسوی (۱۴۰۰) نیز در پژوهشی به بررسی تعهد و مسئولیت دولت در برابر حقوق بشر پرداخت. موسی زاده و همکاران (۱۴۰۲) در پژوهشی به بررسی تاثیرات حقوق بشر بر نظام مسئولیت بین المللی دولت‌ها پرداختند. (Al-Nakib, R. (2011). در پژوهشی به بررسی مفاهیم شهروندی، ملی گرایی، حقوق بشر و دموکراسی: درهم تنیدگی اصطلاحات در برنامه درسی کویت پرداخت. فتحی واجارگاه و همکاران (۱۳۹۳) نیز مؤلفه‌های حقوق بشر در کتاب‌های درسی دوره ابتدایی بررسی و تحلیل کردند. تغییرات حقوق بین الملل پس از روی کار آمدن حقوق بشر در جنگ جهانی دوم منجر به ایجاد مسئولیت‌هایی برای دولت‌ها شد که این تحولات در سه حوزه عناصر مقوم عمل متخلفانه بین المللی رابطه میان دولت متخلف و زبان دیده و اقدام‌های متقابل بروز یافته است. باید در نظر داشت تا زمانی که حقوق بشر به عنوان یک فرهنگ در جوامع پذیرفته نشود ما شاهد نقض حقوق بشر هستیم. بنابراین اولین مسئولیت دولت فرهنگ سازی حقوق بشر است. ترویج و اشاعه فرهنگ حقوق بشر در میان جوامع گزینه مناسبی به نظر می‌رسد و یکی از راه‌های مؤثر در ترویج حقوق بشر و جهانی ساختن فرهنگ حقوق بشر است. یکی از چالش‌های مهم در تمام کشورها، در دسترس قرار دادن زبان و مفاهیم حقوق بشر و مرتبط ساختن و قابل اجرا نمودن مفاهیم آن برای موقعیت‌های واقعی زندگی است. تحقق این گونه آموزش حقوق بشر مستلزم ملاحظات است؛ از جمله بهبود کیفیت برنامه درسی از طریق تلفیق ارزش‌های انسانی برای احترام به حقوق بشر و مقام انسانی و تحقق انسجام اجتماعی (فتحی واجارگاه و همکاران، ۱۳۹۳). یکی دیگر از راه‌های آموزش حقوق بشر در جامعه توسط دولت؛ جای گذاری محتوای حقوق بشر در کتب درسی می‌باشد. از این رو کودکان از ابتدا به رعایت حقوق بشر ملزم شده و آموزش‌های لازم از کودکی در مدرسه در وود آنها نهادینه می‌شود. از طرفی عدم پایبندی یک دولت به استانداردهای حقوق بشر باید یک موضوع نگرانی بین المللی باشد. امروزه شاهد نقض حقوق بشر از جانب برخی از دولت‌ها مانند آمریکا و اسرائیل هستیم. بنابراین لازم است این مسئله بصورت جدی پیگیری شود و راه‌حلهایی جهت پایبند کردن هر چه بیشتر دولت‌ها به رعایت حقوق بشر ارائه گردد. نهادینه‌سازی جهانی حقوق بشر زمینه‌ای بین المللی ایجاد کرده است که در آن (۱) دولت‌ها اغلب معاهدات حقوق بشر را به‌عنوان یک موضوع به تصویب می‌رسانند، و سیاست‌ها را به‌طور ریشه‌ای از عمل جدا می‌کنند و در مواقعی اعمال منفی حقوق بشر را تشدید می‌کنند. (۲) مشروعیت جهانی حقوق بشر، تأثیرات مستقل جامعه مدنی جهانی را اعمال می‌کند که عملکردهای حقوق بشر واقعی دولت‌ها را بهبود می‌بخشد (Hafner-Burton, & Tsutsui, 2005).

منابع

۱. امیر ارجمند، اردشیر، (۱۳۷۸). آموزش حقوق بشر، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۲۵-۲۶، شهید بهشتی، ص ۱۶۵-۱۶۶.
۲. امیر ارجمندی، اردشیر. (۱۳۸۸). آموزش حقوق بشر، <https://ghadianloo.blogspot.com/1387/12/17/post-136/>
۳. آقایی، بهمن (۱۳۷۶)، فرهنگ حقوق بشر، تهران: کتابخانه گنج دانش.
۴. ساجدی، امیر. (۱۳۹۵). حقوق بشر و حقوق شهروندی از نگاه دولت‌های اسلامی خاورمیانه با تاکید بر قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران. فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، ۱۲(۳۶)، ۴۱-۵۹.
۵. ساجدی، امیر (۱۳۹۴)، «جایگاه و کارویژه‌های سکولاریسم در غرب و جهان اسلام»، فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال یازدهم، شماره ۳۱.
۶. رحیمی، رئوف. (۱۳۹۷). مسئولیت دولت و بخش خصوصی در قبال حقوق بشر. فصلنامه مطالعات بین‌المللی، ۱۵(۳)، ۶۵-۸۸. doi: 10.22034/isj.2019.8959988
۷. عرب اسد، شیما (۱۳۹۰). «بحران لیبی و دگرترین مسئولیت به حمایت».
۸. مرادی میرشکاری، ابوطالب. (۱۴۰۲). مسئولیت بین‌المللی در حمایت از حقوق بشر. <https://civilica.com/note/1761/>
۹. مهرپور، حسین، نظام بین‌المللی حقوق بشر، انتشارات اطلاعات، چاپ دوم، ۱۳۸۳، ص ۴۱۱-۴۱۳.
۱۰. میرعباسی، سید باقر، محمدی، عقیل. (۱۳۹۶). چالش‌های اجرایی نظریه مسئولیت حمایت با نگاهی به وضعیت لیبی و سوریه. پژوهش حقوق عمومی، ۱۹(۵۷)، ۳۸-۹. doi: 10.22054/qjpl.2018.14859.1354
۱۱. میرموسوی، سیدعلی. (۱۴۰۰). تعهد و مسئولیت‌های دولت در برابر حقوق بشر. حقوق بشر، ۱۶(۱) (پیاپی ۳۱)، ۲۵-۵۱. SID. <https://sid.ir/paper/385535/fa>
۱۲. نواب دانشمند، فریبا. (۱۳۸۶). بررسی برخی از روش‌های آموزش حقوق بشر. مجله حقوقی بین‌المللی، ۳۴(شماره ۳۷) پاییز و زمستان، ۱۲۹-۱۶۷. doi: 10.22066/cilamag.2007.17691
13. Baxi, U. (1994). Human Rights Education: The Promise of the Third Millennium?.
14. Brown lie, Ian, (1983)"System of the Law of Nations: State Responsibility": Part 1.
15. Brown lie, Ian, (5th ed, 1998) Principles of Public International Law
16. Glendon, A. I., Clarke, S., & McKenna, E. (2016). *Human safety and risk management*. Crc Press.
17. Johnson, J. T. (2018). Religion and the Human Rights Idea. *Journal of Religious Ethics*, 46(2), 379-398.
18. Nathan, C. (2009). 2 Human Rights: Origins And Definitions. In *The Changing Face of Religion and Human Rights* (pp. 25-41). Brill Nijhoff. Lubell.N(2010), LUniversity Oxford .actors state-non against force of use Extraterritorial . 0 Press